

یک اتفاق

اعتماد کردن

■ مهناز افشار برای این فیلم نقش زنی را بازی کرده که برای کار کردن و ماندن در اجتماع با دوستانش تصمیمی می‌گیرد که همسرش مخالف آن است. همسری که با وجود استاد دانشگاه بودن روی کارهایش هیچ تسلطی ندارد و تمام اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارد. دریافت سیمرغ بلورین



بازیگر نقش دوم زن برای او اتفاقی مهم محسوب می‌شد. اما دریافت این سیمرغ یا حاشیه‌هایی همراه بود. او چنین گفته است: «در ۳۳سالگی نمی‌توان دست به هر انتخابی زد و روندی که در فیلم‌های قبلی پشت سر گذاشته بودم باید طی می‌شد تا کارگردانی مانند مازیار میری و همایون اسعدیان به من اعتماد کنند و نقش‌شان را به من بدهند.»

نگاه بازیگران

به مدل بودن فکر نمی‌کنم



■ لیلاحتمی بازیگر نقش یاسی: پیشنهاد این بازی برای من جالب بود و وقتی سناریو را خواندم احساس کردم که این فیلمنامه را دوست دارم. به نظر می‌رسید «سعادت آباد»

کاری است که بازیگران خاصی در آن حضور خواهند داشت و فیلم خوبی از کار درخواهد آمد. من فیلم‌های زیادی بازی کرده‌ام، برخی فیلمنامه‌ها نکتل جزئی منفی دارند که در لحظاتی آنها را ضعیف جلوه می‌دهد، اما وقتی فیلمنامه «سعادت آباد» را خواندم، احساس کردم این فیلم هیچ نکته منفی ندارد؛ پس دوست داشتم که نقش «یاسی» را بر عهده بگیرم و تا آنجایی که می‌توانم آن را به خوبی بازی کنم. به عنوان یک بازیگر از مرحله‌ای گذشتم که برایم مدل بودن اهمیت داشته باشد. در واقع من به مدل بودن فکر نمی‌کنم و طرز نگاهم به نقش‌ها عوض شده است، مطلبی که در حال حاضر برای من مهم است، این است که نقش ادیتم نکند چراکه شکل واقعی بازیگری است و نمی‌توانم بیکار بمانم تا نقش خاصی به من پیشنهاد شود. به نظر من «سعادت آباد» موفقیت خود را مدیون سلامت انهایی است که در فیلم حضور دارند.

به زیبایی ظاهری فکر نمی‌کنم



■ هنگامه قاضیانی بازیگر نقش تهمنه: نقشم را جوری انتخاب می‌کنم که روزی‌ای که در می‌آورم حلال باشد و «سعادت آباد» برای من سعادت‌ی بود و خوشحالم که این فیلم به کارنامه بازیگری‌ام اضافه شده است. درباره چهره‌پردازی هم از من زیاد سوال شده و اکثر آن را عیب‌ب می‌دانند. من هیچ‌وقت در انتخاب نقش‌هایم به زیبایی ظاهری فکر نکرده‌ام، اما دلیل ریختگی‌های صورتم را در این کار نمی‌دانم. شاید به دلیل این بود که چون یک پسر بزرگ داشتم، خواستم ستم را بیشتر کنم، اما در حال حاضر بچه ۱۲ساله دارم و صورتم همین است، البته از فاطمه معتمدآری یاد گرفتم که گرم و لب‌س روی بازی‌ام تاثیر نگذارد و در طول کار هم گرم چهارم را فراموش کردم.

بازیگر خوش‌شانسی نیستم



■ حامد پهداد بازیگر نقش محسن: من با خاتم حاتمی دوست هستم و این دوستی زمینه‌ای شد تا در جلسات مشترکی که در درباره این پروژه بود، همکار شویم و واقعا می‌گویم که پس از اولین جلسه، از «سعادت آباد» خوشم آمد و آن را دوست داشتم. من هیچ وقت بازیگر خوش شانس نبودم، شاید توهم خودم این باشد که بازیگر خوبی هستم اما واقعاً تا ته دل می‌گویم که هنگام بازی در سعادت آباد حال خوبی داشتم. تفاوت بازی من در نقش «محسن» در «سعادت آباد» این است که سعی کردم در این فیلم شیوه دیگری را برای بازی‌ام برگزینم، البته این شیوه در تمام قسمت‌ها کاملاً به فیلمنامه وفادار بود. در این سال‌ها همیشه این نقد به بازی‌های من وارد بوده است که از حس خیلی استفاده نمی‌کنم، اما پس از گذشت سال‌ها، این شیوه به نوع بازی من تبدیل شده است. «محسن» در «سعادت آباد» برخاسته از طبقه متوسط نوظهور جامعه است. هر فردی چندین نقش و حالت دارد. من نیز مستقل از تمام افراد روی زمین، وقتی تنها می‌شوم و خودم را تفسیر می‌کنم، متوجه می‌شوم در طول زندگی‌ام معایب و محاسنی وجود داشته است. در واقع من نیز مانند تمام افراد دیگر نقاط منفی در زندگی‌ام دارم که بابت آنها باید خودم را بازخواست کنم و حتی گاهی از خودم بدم می‌آید که چرا بعضی اتفاقات در زندگی‌ام افتاده و کارهایی را انجام داده‌ام.

سینمای ایران

«سعادت‌آباد» در گفت‌وگو با مازیار میری

قطعه گمشده اخلاق است

سجاد صاحبان‌زند



عکاس: آرش رهنبر شرق

«سعادت‌آباد» پنجمین ساخته مازیار میری است، کارگردانی که در چهار فیلم پیشین خود ثابت کرده نمی‌خواهد معمولی باشد. او این بار هم سراغ موضوعی رفته که شاید کمتر کسی در این روزها سراغ آن می‌رود. داستان «سعادت‌آباد»، داستان طبقه نسبتاً ثروتمندی است که با دروغ و بدون تلاش به سرما به رسیده‌اند. این داستان به خوبی خود جذاب است، اما هنگامی که در تقابل با رویه اخلاق‌گرای جامعه روی دهد، میری چنین نمی‌کند. شخصیت‌های «سعادت‌آباد» بیش از آنکه با کس دیگری روبه‌رو باشند، با خودشان درگیرند. درگیری شخصیت‌ها با هم نکته‌ای نیست که به سادگی آن را نمایشی کرد، اما میری توانسته این نکته را به خوبی نشان دهد. گفت‌وگو با این کارگردان را در ادامه می‌خوانیم.

شناخته شود. باید به کارگردان‌ها اجازه داده شود تا آزادانه کار کنند. برخوردهای سلیقه‌ای ما را به جایی نمی‌برد و خوشحالم که «سعادت‌آباد» بدون مشکل به نمایش درآمد.
ما دیگر موضوع مطرح، آدم‌های فیلم هستند. «سعادت‌آباد» دیگری میان آدم‌خوب‌ها، آدم‌بدها نیست. بیشتر به شرایط پرداخته می‌شود. این آدم‌ها چطور انتخاب شدند و کنار هم قرار گرفتند؟
من معتقدم آدم‌های جامعه ما بالذات و بالقظه آدم‌های سیاهی نیستند. جامعه و خود ما که پردازش‌شده جامعه‌ایم، آدم‌ها را تربیت می‌کنیم تا گاهی خاکستری و گاهی سیاه بشوند. آنها را تربیت می‌کنیم که دروغ بگویند، اخلاق نداشته باشند و پنهان‌کاری کنند. این روزها و این اتفاقات و این شرایط، به نظر من، این‌گونه بودن را به آدم‌های جامعه ما تحمیل می‌کند. آدم‌های ما همین شکلی هستند. یعنی به غیر از «یاسی» فیلم (که نقش او را خانم حاتمی بازی می‌کند و نماد طبقه متوسط ریش‌دار جامعه است)، بقیه از طبقه‌ای نوظهور می‌آیند که ریشه ندارند. «یاسی» برگرفته از نسلی است که در فرهنگ ما هویت، سابقه و ریشه دارد. بقیه آدم‌هایی هستند که پردازش و بزرگ‌شده جامعه معاصر هستند؛ جامعه‌ای که قبح در هم شکستن اخلاقی را از بین برده و در واقع آنها را تسویه به پنهان‌کاری می‌کند.
همه شخصیت‌های فیلم من واقعی هستند و می‌شود آنها را درک کرد. نگرانی من که در انتهای فیلم نشان داده می‌شود، به نسل بعد از سعادت‌آباد تعلق دارد؛ جامعه‌ای که برآمده از نسلی است که «یاسی» نماینده آن است در «سعادت‌آباد» و به آدم‌های آن منجر شده، نسل سعادت‌آباد، چه نسلی را به بی خواهد داشت؟ امیدوارم نتیجه آن چنان بد نباشد، اما من همیشه نگران این موضوعم، به عبارتی، «یاسی» نماینده قشر متوسط جامعه‌ای است که ریشه دارد و به قول معروف بر سر سفره پدر و مادرش بزرگ شده است و من به شدت نگران فرزندی هستم که حاصل ازدواج این دو طبقه با هم هستند.

ما شما هنگام ساخت «سعادت‌آباد»، تا چه حد به فیلمنامه اصلی که آقای عربی نوشتند، وفادار بودید؟
بله اتفاقاً من می‌خواستم بر باند صداپی‌مان، این صداها ثبت شود. صداهای زمانه ما آهنگ‌های این روزهای ما و شرایطی را که ما این روزها با آنها خاطر‌هایمان را می‌گذرانیم. همه این‌ها در یک راستا قرار دارند. ما در روزهای سال‌های ۸۹ و ۹۰ زندگی می‌کنیم. فیلم موسیقی متن ندارد و تنها در پایان یک قطعه‌ای را انتخاب کردیم که هم فیلم با آن تمام می‌شود و هم تیتراژ با آن بالا می‌آید. ما از موسیقی ترانه‌ای که در آن میهمانی وجود دارد، به‌عنوان موسیقی متن استفاده کردیم، به‌نظرم این پاندنهای صوتی فضای این روزهای ما را به خوبی نشان می‌دهد. همین‌جا باید از آقای مسیحی تشکر زیادی کنم که کمک زیادی کردند تا فیلم دالبی دیجیتال شود. دالبی دیجیتال «سعادت‌آباد» در ایران، توسط سمود بهنام در استودیو «هپمن» انجام شده و فقط برای ضبط نهایی دو روز به آلمان رفته است.

اینستای ما بیشتر تصویری است از جنوب شهر و قشر پایین جامعه، به گونه‌ای که مثلاً وقتی با یک فرد اروپایی صحبت می‌کنی، از اینکه شما در خانه‌تان مثلاً اسکتر دارید، تعجب می‌کند. برای شما به‌عنوان فیلمساز که فیلم‌هایتان در جشنواره‌های بین‌المللی هم به نمایش آمده آیا به نمایش گذاشتن بخش دیده‌نشده‌ای از جامعه ایران مهم بوده است؟
در واقع این مساله برای من به این شکل تفکیک‌پذیر نیست. علاقمندم درباره آن چیزی که دغدغه‌ام است، فیلم بسازم. این دغدغه می‌تواند پایین میدان و نکت باشد یا بالای میدان و نکت، می‌تواند بیرون از تهران باشد، شمال ایران یا جنوب ایران باشد. خیلی به این مسایل فکر نمی‌کنم، اما فکر می‌کنم، فرهنگ و هنر و در نهایت سینما می‌تواند در شناساندن ایران کمک کند. اما باورم بر این است که بخش عمده‌ای از این میحث، به مدیران فرهنگی، سیاسی برمی‌گردد. باید شرایطی به وجود بیاید تا ایران

همه مردم سرزمینم، سعادت‌آباد به معنای واقعی کلمه به وجود بیاید. به عبارتی، سعادت و آبادی را برای سرزمینم بیش از هر چیزی آرزویمندم. سعادت‌آبادی فراتر از یک اسم یا مکان.
ما تقریباً بهترین بازیگرهای سینمای ایران را در این فیلم داشتید، چطور به این انتخاب‌ها رسیدید؟
یکی از شانس‌های من در «سعادت‌آباد» حضور شش نفر از دوستان من به‌عنوان بازیگران این کار است. معتقدم که بازیگران هستند که لحظات فیلمنامه را می‌سازند و زمانی که متن را می‌نوشتم از همان ابتدا اسعدیان روی بازیگران «سعادت‌آباد» فکر می‌کرد و خوشحالم تمام گزینه‌هایی که در این فیلم بازی کرده‌اند گزینه‌های اول ما بودند. البته جمع کردن این همه نام در کنار هم، آن‌هم در نگاه اول کار بسیار سختی است اما خوب تمام این آدم‌ها دوست من هستند و ما کارمان را با صمیمیت شروع کردیم و به پایان رساندیم.

یکی از مسایلی که در صحبت‌های‌تان به آن اشاره کردید و یکی از مشکلات سینما و فراتر از آن جامعه ما اشاره‌ای است که به استفاده از داستان کارور در نگارش این فیلمنامه کردید. بسیاری از فیلم‌های خوب سینمای ما از روی فیلمنامه‌های اقتباسی ساخته شده‌اند، مانند کارهای آقای مهرجویی یا بعضی کارهای آقای تقوایی... به نظر شما این شیوه تا چه میزان می‌تواند کارآمد و مفید باشد؟ و اینکه شما چقدر در ادبیات خودمان به دنبال یافتن سوزنه‌های ناب‌تر هستید؟

البته توضیح بدهم که فیلم «سعادت‌آباد» اقتباسی از کارور نیست، بلکه یکی از داستان کوتاه‌های این نویسنده جرقه‌ای برای آقای عربی بوده برای اینکه این فیلمنامه را بنویسد. اما من معتقدم سینمای ایران می‌تواند به‌شدت از اقتباس استفاده کند. و این نکته می‌تواند ادبیات جهان را با سینمای این روزهای ایران گره بزند. می‌تواند آن را گره بزند به ادبیات ناب سرزمین خودش برای یافتن سوزنه‌ها و ایده‌های ناب و شرایطی را فراهم کند که سینمای ایران را نجات می‌دهد. اما این اتفاقی است که کمتر می‌افتد و مدیران فرهنگی و تهیه‌کنندگان ما کمتر شرایطی را ایجاد می‌کنند تا این فضا ایجاد شود. اما کارگردان‌ها گاهی فراتر از این فضا حرکت می‌کنند. در همین روزها بهرام توکلی همین کار را انجام داد؛ فیلمنامه اقتباسی او بسیار فیلمنامه خوبی است، دوستی می‌گفت این فیلم (منظور نمایشنامه تنسی ویلیامز است) آنقدر جذابیت دارد که حتی اگر در کتابخانه کسی باشد، حتماً اتفاق خوبی برای او می‌افتد. بهرام توکلی این کتاب را پیدا می‌کند، می‌خواند و این شرایط را به وجود می‌آورد. تهیه‌کننده هم پای فیلم او می‌ایستد. در نتیجه «پنجا بدون من» ساخته می‌شود. پس باید شرایطی را ایجاد کنیم که این اتفاق بیفتد و واقع‌گانه سرزمین خودمان را به ادبیات مهم جهانی گره بزنیم. این نگاه و باوری است که اتفاقاً بیننده فهیم سینما را مجاب به پذیرفتن نگاه‌شما از آن ادبیات می‌کند.

ما آیا این قضیه برای خود شما اهمیت و جذابیت دارد و آن را پیگیری می‌کنید؟
اهمیت و جذابیت دارد اما باید بگویم که به دلیل شرایط و اوضاعی که این روزها دارم کمتر این کار را انجام می‌دهم و کمتر آن را دنبال می‌کنم ولی علاقه‌مندم که این اتفاقات بیفتد.
ما حالا که به فیلم نگاه می‌کنید، چه حسی نسبت به آن دارید؟

چیزی که من قبلاً هم در مورد آن صحبت کردم این است که یک نگرانی در «سعادت‌آباد» وجود دارد که امیدوارم بینندگان فیلم هم به آن فکر کنند. «سعادت‌آباد» با بارداری یاسی شروع می‌شود که نماینده قشر متوسط ریشه‌دار این سرزمین است که به قول عوام سر سفره پدر و مادر بزرگ شده است و در طول فیلم می‌بینیم که حتی انتخاب‌هایش با این پنج نفر دیگر فرق می‌کند. موسیقی دیگری گوش می‌دهد، نگاه دیگری دارد. یاسی باردار قشر متوسط به‌وجودآمده این روزهاست. او از همسری باردار است که کاسیکار است و دروغگو و پنهان‌کار و برای پیشرفت خود پایش را روی زن و بچه و رفیق خود می‌گذارد. نگرانی من از قشری است که از این دو به وجود می‌آید. و اتفاقاً یاسی که یک مادر است دارد آن را حفظ می‌کند. امیدوارم نسلی که در آینده به وجود می‌آید به مادری مانند یاسی نزدیک باشد و به نسلی نزدیک نشود که این روزها کلاما منزوی است و سمت آن نسلی نباشد که برای جلورفتن پایش را رفتن دوش هم می‌گذارد.

آینه‌های رویه‌رو

گفت‌وگو با همایون اسعدیان تهیه‌کننده سعادت‌آباد بازیگر، تضمین‌کننده فروش نیست

فاطمه عسگری آزاد

■ فیلم سعادت‌آباد به تلاّگی در سینماها اکران شده است. این فیلم درباره زندگی چند خانواده از طبقه متوسط شهری است که درگیر مسائل خاص خود هستند. اما این گفت‌وگو درباره مسایل اکران است و نکته‌هایی که در این زمینه گریبان تهیه‌کننده‌ها را می‌گیرد.

ما چرا به فیلم سعادت‌آباد سرگروه ندادند؟
این فیلم سرگروه دارد و قرارداد آن را از چند ماه پیش با سینمای آزادی بستیم، اما چون «نداره‌ها» از کف فروش افتاده ما انتظار داشتیم که از این هفته در سینمای آزادی اکران فیلم سعادت‌آباد آغاز شود. با این حال شورای صنفی به دلیل حمایت از فیلم‌های فرهنگی به مدت یک هفته اکران این فیلم را تمدید کرد. در سینمای آزادی چهار روز هم جشنواره فیلم کوتاه وجود دارد، بنابراین ما با توافقی که داشتیم، تصمیم گرفتیم در همه سینماها فیلم را اکران کنیم به جز سینمای آزادی. در سینما آزادی هم از تاریخ ۲۷ مهر فیلم سعادت‌آباد اکران شد.
ما در صحبت‌هایتان اشاره کردید فیلم ندارها فیلم فرهنگی است. یا چه معیاری فیلم‌های فرهنگی مشخص می‌شود؟

به نظر من این سوال از آقای کاوش باید پرسیده شود. من فقط در این حد مطلعم که شورای صنفی اعلام کرده به دلیل حمایت از فیلم‌های فرهنگی، مدت اکران فیلم یک هفته تمدید خواهد شد. این تمدید اکران حتی زمانی که فیلم از کف فروش بیفتد هم شامل فیلم‌ها می‌شود و همین اتفاق برای فیلم ندارها رخ داده است، یعنی یک هفته به تاریخ اکران این فیلم اضافه شد، البته این فرهنگی‌بودن بعد از زمان اکران فیلم‌ها مشخص می‌شود و شورا تصمیم می‌گیرد که اکران چه فیلم‌هایی ادامه داشته باشد.



ما توجه به اینکه این تأخیرها بر روند اکران فیلم‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، به نظر شما چگونه می‌توان این مشکلات را برطرف کرد؟
کاری از دست ما بر نمی‌آید. زمان دقیق اکران فیلم‌ها مشخص نیست و معلوم نمی‌شود چه زمانی فیلم را می‌توان اکران کرد. مثلاً اگر فیلم فروش خوبی داشته باشد در تابستان حداکثر هفت هفته اکران می‌شود و در زمستان حتی تا ۱۰ هفته هم فیلم‌ها بر روی پرده سینما باقی می‌مانند، اما زمانی که فیلم فروش خوبی نداشته باشد و از کف فروش بیفتد از پرده سینما بر داشته می‌شود. و فیلم جدیدی اکران می‌شود. درحقیقت تاریخ قطعی وجود ندارد.

ما توجه به حضور ستاره‌های سینما در فیلم سعادت‌آباد مثل لیل‌حاتمی، حامد پهداد، مهناز افشار و... نگرانی‌های شما بابت فروش فیلم باید کمتر باشد؟
در سینما هیچ چیز از قبل پیش‌بینی‌شده‌ای وجود ندارد و وجود بازیگر نمی‌تواند تضمین‌کننده فروش باشد.
ما پس شما به‌عنوان یک تهیه‌کننده چه عواملی را در فروش موفق فیلم موثر می‌دانید؟
مجموعه‌ای از عوامل مانند کیفیت اثر، موضوع فیلم، داستان، ترکیب بازیگران، کارگردانی، فیلمبرداری و مجموعه عوامل دخیل در فیلم باعث می‌شود که یک فیلم در گیشه موفق یا با شکست مواجه شود.

ما درباره روند شکل‌گیری فیلم سعادت‌آباد هم برابسان توضیح دهید؟ چطور با آقای میری و فیلمنامه‌نویس به توافق رسیدید؟

ممکن است در یادآوری تاریخ‌ها کمی اشتباه کنم، اما در نیمه دوم سال ۸۸ مازیار میری به علت دوستی و ارتباطی که از طریق کاتون کارگردان با هم داشتیم، پیرامون داستان اولیه فیلم با من صحبت کرد. طرح اولیه فیلم سعادت‌آباد که پیرامون یک میهمانی است که چند نفر در آن دچار مشکل می‌شوند، از همان زمان مطرح شد و راجع به سوزه خانوادگی فیلم در آن زمان با مازیار میری صحبت شد. من به کارش ایمان دارم و طرح را که خواندم بسیار پسندیدم. پس از آن در طول پنج ماه به اتفاق میری جلساتی را تشکیل دادیم و به‌تدریج فیلمنامه شکل گرفت. بهار ۸۹ فیلمنامه‌نویسی به سرانجام خودش رسید و گفت‌وگوها با بازیگران انجام شد. البته برای انتخاب و هماهنگی با بازیگران زمانی حدود سه تا چهار ماه صرف شد تا بالاخره تیم بازیگری در کنار هم گرد آمدند. در تابستان ۸۹ (به نظر من تیر ماه بود) فیلمبرداری آغاز شد.